

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری

۳۱ مارچ ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

همدیگر پذیری در افغانستان به مانند: امانتداری جگر گوسفند توسط گربه

در این نوشته، حتی المقدر به چند نمونه از، افراط و تفریط در جامعه سیاسی افغانستان متمرکز می شویم – که افکار سازنده را، به هدف همدیگری پذیری درون سازی نمی کند...!

افراط و تفریط:

افراط و تفریط در برابر توازن فکری می باشد، زیرا انسان حیوان سیاسی بوده و سازنده دولت مردمی نبوغ و عقلانیت جمعی می شود، که دیکتاتوری نیز پدیداری جهل جامعه است.

❖ **دری فارسی:** بدون شک از ریشه زبان فارسی در لهجه های دری افغانستان و تاجیکی تاجیکستان و فارسی ایران در تطبیق با انگلیسی در لهجه های استرالیایی، انگلستانی و امریکائی و در شرق چون لهجه انگلیسی هندوستانی مشهودست – ولی تفریط در مورد، در افغانستان این می باشد، که بعضی دری و فارسی را دو زبان جداگانه دانسته و افراط یا واکنش آن، نجیب باور و پنجشیر را جزء ایران تلقی کردن.

❖ **دین داری طالبانی و دین ستیزی کمونیستی:** طبق اطلاعات میدانی از برخی که دارم، دولت شوروی وقت از برخورد زشت و نپسندیده کمونیستان افغان شاکی بودند، که حالت کنونی طالبان و افراطی بودنش چون تفریط کمونیستی قابل تطبیق می شود.

❖ **شاه امان الله خان و ماکیاولی:** ماکیاولی که مردم فلورانس آنزمان را در ذهن داشت و به شهریار توصیه می کند، که دموکراسی و آزادی مسبب می شود تا مردم ما، یک دیگر شان را نیست و هلاک کند، زیرا دموکراسی را، فضیلت و سعادت لازم که مردم ما، در آن مرحله نرسیده و شاهی مستبد را تجویز می کند –

شاه امان الله خان هم، در نخست جامعه معیوب را، از عیوب فکری تمیز می داد، ولی به حد جامعه سیاسی تا کنون از حفظ توازن بدور است که، می توانست اشتباهات شاه را، با مبارزه و مناظره رفع کرد، نه ساقط

توازن:

ادوارد سنودن کارمند سازمان استخباراتی سیا امریکا، شواهد بیرون داد: که سیا از هر مکانی در دنیا، که بخواهد می تواند دریافت اطلاعات خصوصی از شهروندان شان و سایر انسان های زمین کند. و فلم مستند سنودن را، نیز تماشا کرده ام – فقط سازمان سیا امریکا، در مرزهای خرد محض یا عمق تفکر انسانی نمی تواند وارد شود، چون آنجا خداست و حفظ توازن پدیداری عقلانیت و نعمت الهی می باشد، که از فعالیت روزانه شهروندان در مطالعه پدیدار می شود.

و با متمرکز شدن این جمله سید جمال الدین افغان: به غرب رفته اسلام دیدم ولی مسلمان ندیدم و به مشرق برگشتم اسلام ندیدم ولی مسلمان دیدم

که اسلام به مسلمان یعنی: الله از رگ گردن با ما نزدیک می باشد، همانا حبل الوریثه، اما ما از الله، به سبب نفس و نفیر، فرسنگ ها دوریم – که پدیداری رفع این دوری عبارت از وجدان است. و نشانه جامعه با وجدان اینست: اعضای جامعه هرگز دروغ نمی گویند و این با وجدان بودن اعضای جامعه غربی را، نتوان چشم پوشی کرد. حالا سؤال این است که: چرا رویکرد استخباراتی غربی در کشورهای جهان سوم مملو از فریب و دروغ می باشد؟ در جواب باید گفت: استخبارات و وجدان در کشورهای تضعیف شده تلفیق ناپذیر بوده، و اشراف قدرت های جهانی بر کشورهای جهان سومی، از دید افلاطون زشت و مریض شدن قدرت دولت گفته شده، که اگر قدرتی از اشراف استخباراتی دور شود، حریف های شان، یعنی قدرت های دیگر غالب می شود و این کشمکش را، جنگ های نیابتی نیز گفت که از دید ماکیاولی خلاف افلاطون واقعیت امروز انسانی در سیاست جهانی می باشد. نه زشت و نه مرض... و عنصر سازنده تا حالت ایده حال یا مطلوب جامعه از مرز های خرد محض اعضای جامعه سیاسی پدیدار می شود.

در نتیجه:

همینطوری که کربه در برابر گوشت یا جگر گوسفند، نمی تواند حفظ توازن کند یا خود را کنترل کرده نمی تواند – همدیگر پذیری نیز پدیداری عقلانیت انسانی، انسان که حیوان سیاسی بوده و سیاست یا اراده آزاد انسانی تا درک حقیقت و نظام پایدار حقوقی سیاسی در حفظ حاکمیت ملی با روحیه وحدت و همدیگر پذیری بستر ساز توسعه و تعالی جامعه می گردد.

پس دولت زاده طبع انسان می باشد، موجودی به دولت نیاز ندارد که خداست یا جانور، انسان و حفظ توازن = دولت مردمی...